اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**عرض کنم بحثی که مطرح شد البته اصل بحث خیلی خارج شدیم بحث‌های فهرستی بود و بعد باز برمی‌گردیم هنوز به این زودی‌ها خارج نمی‌شویم به این مناسبت متعرض این شدیم که بعضی از اسمائی که الان در کتب هست اینها مجهولند در حقیقت اینها موهومند اصلا وجود خارجی ندارند به این مناسبت وارد بحث شدیم یکی از این‌ها همین کتاب طب الائمه است که مرحوم نجاشی هم نقل کرده است ، حالا علیرضا بیاید عبارت ایشان را یک بار دیگر**

**اولا ایشان راجع به مرحوم ابن عیاش می‌گوید استاد من بود و چنین و چنان آخرش می‌گوید رحمه الله وسامحه خدا از او در بگذرد از این تعبیر معلوم است که به اصطلاح خیلی خوش بین نبوده است راجع به ابوالمفضل شیبانی با اینکه اهل سنت خیلی به او حمله کردند راجع به ابوالمفضل شیبانی با اینکه جوان هم بوده ایشان در وقت فوت ابی المفضل سیزده ساله بوده نجاشی در وقت فوت این مرحوم ابن عیاش بیست و نه ساله بوده می‌گوید تجنبت الروایة عنه الا بواسطة بینی و بینه این را استثناء می‌کند اما راجع به ابن عیاش این استثناء را هم ندارد اصلا از او نقل نمی‌کند و نجاشی خوب گاه گاهی بعضی مطالبی را که ابن عیاش در بغداد نقل کرده ایشان آورده خوب به هر حال در بغداد بوده این کتاب یا نوشتار در بغداد بوده لذا ایشان آورده این مطلب را لکن این نه به معنای حجیت باشد حالا گفتیم عبارت مرحوم نجاشی را راجع به ابنی بسطام بخواند ایشان حالا می‌خواهید سریع رد بشوید این طب الائمة مشکلاتش خیلی فراوان است می‌گویم در این کتاب نوشته سندها ساختگی نمی‌دانیم مراد ایشان از سندهای ساختگی چیست . یعنی مثلا چنین**

**یکی از حضار : همین کتاب دانشگاه ادیان را می‌فرمایید نوشتند**

**آیت الله مددی : همین سندهای ساختگی .**

**اولا ایشان غالبا علیرضا گفت من آماده کردم حالا اگر بعد بتواند سریع بخوانم چون وقتمان**

**یکی از حضار : آماده کردم بله کنار گذاشتم .**

**آیت الله مددی : بله ایشان آقا از یک اسماء مجهولی نام می‌برد که هیچ کس نمی‌شناسد اسم مجهول**

**یکی از حضار : در طب الائمة**

**آیت الله مددی : در طب الائمه .**

**بعدش مثلا حماد بن عیسی ، یک مجهول الهویة‌ای بعدش عن حماد بن عیسی و ظاهرا مثل زمان ما دیگر زمان فرقی نکرده مثلا می‌خواستند نسبت بدهند که ائمه علیهم السلام در طب و علوم طبیعی و اینها واردند ظاهرا این طور بوده است .**

**می‌گویند آن مردک نوح بن فلان مروزی احادیث جعل کرد که من قراء سورة بقرة کذا سورة آل عمران به همین ترتیب به او گفتند یک چنین این همه روایت از کجا آوردی گفت خودم جعل کردم گفت آخر پیغمبر گفته من کذب علی متعمدا گفت انا کذبت له ما علیه من به نفع مردم نشستند فیلم‌های سینمایی نگاه می‌کنند به قول ما کارتون نگاه می‌کنند به جای آن بنشینند قرآن بخوانند این کارها چیست ، ظاهرا والعلم عند الله والعلم عند الله عده‌ای از مردم این طوری بودند فکر می‌کردند که حتی این علوم کذا را نسبت به ائمه علیهم السلام بدهند یک نکته‌ی لطیف و باریکی اینجا دارد که الان متعرض نمی‌شوم چون آن یک لوازمی دارد که نمی‌خواهم متعرض بشوم فقط اشاره کردم که نکته‌ای دارد حالا نمی‌خواهم متعرض بشوم .**

**فرض کنیم به اینکه آن وقت مثلا شما همین چند سال اخیر اگر یادتان باشد دوای جامع موسی بن جعفر خیلی رایج شد این فقط در همین طب الائمه است هیچ جای دیگر نیامده است دوای جامع فقط در طب الائمه است یعنی هنوز هم مردم ما همان عوام‌های زمان نجاشی و اینها فکر می‌کردند که ما اینها را به ائمه نسبت بدهیم این مثلا مقامات اهل بیت را بالا می‌برد اینها کذبت لهم این ها به عنوان کذب لهم است نه کذب علیهم است .**

**علی ای حال به نظر ما که حتی شاید خود کتاب کلا جعلی باشد دیشب خوب یک مقداری از این اسانیدی را که برای صاحب تحف العقول بود از این کتاب حقائق اسرار دین یا اسرار حقائق دین خواند خیلی سندها مشوه است اصلا سندها نمی‌دانیم این افراد وجود خارجی دارند ندارند که هستند درست است اسم درست آمده باطل آمده این قدر وضع سند این که اینها از حرانی‌ها پنج تا آل شعبه دارند از حرانی‌ها محمد بن شعبه و حسن بن شعبه آنها را هم نمی‌دانیم ما هیچ اصلا خبر نداریم ، ما که شیعه هستیم اگر خبر نداریم سنی‌ها به طریق اولی خبر ندارند .**

**مثلا می‌گوید ابن شعبة گاهی محمد بن شعبة است گاهی حسن بن شعبة اصلا این برای این یکی است یا برای آن یکی است اصلا اینها وجود خارجی دارند ؟ چون عرض کردم حسن بن محمد ، حسن بن علی بن شعبة که می‌گویند در سال 368 وفاتش بود حالا بعید است این تاریخ باشد 75 – 370 به این سال‌ها می‌خورد می‌گویند در حدود رتبه‌ی صاحب فقیه است یعنی شیخ صدوق 381 وفات ایشان خیلی بعید است این به اصطلاح ایشان اصلا اصل وجود چون ما از ایشان نام از ایشان حالا کتابش که هیچ نام ایشان اولین بار در کتاب‌های ما در زمان صفویه آمد .**

**کتابی است برای مرحوم شیخ ابراهیم بن سلیمان القطیفی و یعجبنی که ایشان می‌گوید نمی‌دانم فرقه‌ی ناجیه یک چنین اسمی دارد در اینجا یک حدیثی و من العالم الجلیل الفلان المتکلم بیاورم یک بار دیگر هم این یک بار در کتاب‌های ما آمده یک بار دیگر هم در همان کتاب اسمش را برده دیگر این القاب را ندارد یک دفعه با القاب است یک دفعه بدون القاب است ابن شعبة یعنی ایشان متوفای 950 یا 51 است مرحوم قطیفی یعنی 40 – 30 سال بعد از صفویه این کتاب به ایران رسید دست ایرانی‌ها رسید دست صفویه و الا این کتاب را اصلا اسمش را هم ما نمی‌دانستیم اسم ابن شعبة را هم نمی‌دانستیم .**

**بله انصافا این کتاب طب الصادقین اگر برای او باشد این می‌خورد به تحف العقول معلوم است مرد ملایی است اما با آن حقائق آن اسنادی را که در حقایق بود آن خیلی عجیب و غریب است آن اصلا نمی‌دانیم اصلا آنها وجود خارجی دارند یا ندارند .**

**خلاصه‌ی مطلب که می‌خواهم من عرض بکنم امثال این کتاب‌ها مثلا الهفت والاضلة الهفت والاشباح به نظرم مرحوم شیخ مفید یک جا الاشباح و الاضلة دارد ظاهرا مرادش همین کتاب باشد شیخ مفید در یکی از نوشته‌هایش از آن تعبیر کرده الاشباح والاضلة ظاهرا همین هفت شریف یا هفت والاضلة باشد .**

**علی ای حال این از این جور کتاب‌ها و واقعا باید گفت که ما در میان میراث‌های ما نکته‌ای که خداوند متعال به من لطف کرد ما همیشه عرض کردیم تا سال 300 اوائل قرن چهارم دیگر جدا شدیم خط ما از خط آن غلو جدا شد معلوم شد که نه جدای جدا نشدیم آنها می‌آمدند از ما استفاده می‌کردند ما از آنها جدا شدیم .**

**یکی از حضار : این مسائل السلویة المسألة الثانیة فی الاشباح والذر والارواح**

**یکی از حضار : برای شیخ مفید ؟**

**یکی از حضار : بله ، ما قوله ادام الله ... فی معنی الاخبار المرویة عن الائمة الهادیة علیهم السلام فی الاشباح وخلق الله تعالی الارواح قبل خلقه آدم علیه السلام السؤال یک مقدار طولانی است الجواب : وبالله التوفیق ان الاخبار بذکر الاشباح تختلف الفاظها وتتباین معانیها وقد بنت الغات علیها اباطیل کثیرة وصنفوا فیها کتبا لغو فیها وهدوا فی ما اثبتوه منه فی معانیها**

**آیت الله مددی : انصافش قرن چهارم را من دقت کردم چون تا حالا کسی نگفته عده‌ای از این منحرفین و مشتبهین و اینها ، اینها از شیعه گرفتند حالا یا روایت ضعیف یا روایت جعلی اسماء جعلی و بعد چیزهایی را نسبت دادند و آن وقت انصافا باید بگوییم در قرن چهارم وجود آل بویه خیلی تاثیر گذاشت و آمدن قمی‌ها علی راسهم مثل مرحوم کلینی بعد مثل ابن قولویه بعد مثل فرض کنید حسین بن جعفر ، جعفر بن حسین مؤمن مثل**

**یکی از حضار : در تهذیب احادیث**

**آیت الله مددی : احادیث منقح شدند خیلی موثر بود و خود شیخ مفید و آخرینش هم شیخ طوسی و سید رضی و سید مرتضی هر چه از این اراجیف در اصحاب ما بود الحمدلله از اصحاب ما جدا شد آن وقت اینها انواع دارد یک تکه‌اش هم برای طب و اینهاست مثل همین طب الائمه است و لذا صدوق هم موضع گیری کرده گفته آقا روایات طبیه به در نمی‌خورد چون برای مزاج‌های خاص و هواهای خاصی است .**

**یکی از حضار : قضایای شخصیه**

**آیت الله مددی : آها قضایای شخصیه است به درد نمی‌خورد . اما ما غیر از این طب الائمة احتمالا این طب الصادقین چون این نسبت داده شده به تلعکبری آن هم 385 وفاتش است این هم در قرن چهارم است یک مقدار روایات این جوری یک مقدار کتاب‌های جابر بن عبدالله حدود 400 کتاب به جابر بن عبدالله نسبت دادند این را ندیم دارد ندیم می‌گوید و من الناس من ینکر وجوده می‌گوید اصلا این وجود خارجی ندارد می‌گوید خیلی بعید است 400 تا رساله نوشته چطور ممکن است بگوییم این وجود خارجی ندارد بابا 400 تا موهوم است اگر خودش هم موهوم است رساله‌اش هم ...**

**این ها آقا یک مطلبی است که بعد از تتبعی که ما این تازگی است این امروز خیلی نشستم با خودم فکر کردم از الطاف الهیه آن وقت فقه ما هم روایاتی که یک مقدار خدشه داشت یا مصدرش مثلا کتاب قضایا و سنن و احکام از زمان امام صادق رسما دیگر مورد قبول نبود ائمه‌ی متاخر هم حضرت رضا حضرت جواد هیچ چیزی از این نقل نکردند اما در کتاب دعائم الاسلام آمده مضافا به اینکه مثلا دعائم الاسلام مسائل علی بن جعفر را به امام صادق نسبت داده آن هم نقل می‌کند .**

**ما مسائل علی بن جعفر را می‌گوییم علی بن جعفر عن اخیه موسی آن می‌گوید نه عن ابیه جعفر یعنی یک مجموعه‌ی از روایاتی که محل کلام و اشکال است ایشان می‌آورد حالا یک کارهایی هم خودش می‌کند یک جاهای دیگری که حالا من نمی‌خواهم این هم برای 363 آن وقت یک مقداری از روایات عرفان ، یک عرفان ، عرفان و اسرار مثل همین ها ابن شعبه و فلان و اسرار دین و الالوهیة العظمی**

**مثلا همین کتاب مصباح الشریعة برای همین زمان است خیلی عجیب است ما در این زمان این را من ندیدم تا حالا اصلا امروز می‌گویم به ذهن خودم رسید خودم هم ندیده بودم امروز به ذهن ما رسید اصلا این روایت العبودیة جوهرة کنهه الربوبیة در نسخ مصباح الشریعة اگر نگاه بکنید در بعضی‌هایش باب دوم است یا باب اول است بعضی‌هایش باب 100 است 100 تا باب است آن کاملا واضح است کلمات صوفیه است چون می‌گوید قال جعفر قال سفیان ثوری قال ابراهیم ادهم الی آخره .**

**در همین سال‌ها 411 عبدالرحمن سلمی وفات پیدا کرده در این تفسیر خودش مفصل از امام صادق دارد مفصل که به اصطلاح من به آن می‌گویم عرفان مصطلح یکی‌اش هم همین حدیثی است که آقای حسن زاده آورده خیلی هم چیز کرده که من همه‌ی کتب عرفان را دیدم مثل این یک سطر ندیدم و سقاهم ربهم شرابا طهورا در سوره‌ی هل اتی بله آقا ؟**

**یکی از حضار : در مجمع البیان هم نقل شده است**

**آیت الله مددی : همین مجمع البیان دیگر ایشان فقط مجمع البیان را دیده در مجمع البیان دارد سقاهم ربهم یطهرهم من کل شیء سوی الله اذ لا طاهر من تدنس بشیء من الاکوان الا الله یا سوی الله بعد می‌گوید کذا رووه عن جعفر بن محمد در خود مجمع البیان .**

**آقای حسن زاده نوشته از این معلوم می‌شود که این حدیث خیلی سند دارد خیلی حدیث معتبری است چون رووا گفته خوب مرد حسابی اگر رووا گفت قبل از این تاریخ در کدام کتاب شیعه آمده است ؟**

**یکی از حضار : چرا مجمع البیان رووا را جمعی دارد .**

**آیت الله مددی : سنی‌هاست . آنها سنی‌ها ملتفت نشده ایشان عرفای اهل سنت ، عبدالرحمن سلمی دارد تازه آن نقل عبدالرحمن سلمی در این نسخه‌ی مجمع غلط هم دارد آخر این اینطوری است نسخه‌ی مجمع یطهرهم من کل شیء سوی الله اذ لا طاهر من تدنس بشیء من الاکوان سوی الله باز دارد سوی الله یا الا الله در کتاب عبدالرحمن سلمی ای یطهرهم من کل شیء سوی الله اذ لا طاهر من تدنس بشیء من الاکوان دیگر آن سوی الله را ندارد معلوم است که اصلا زاید هم هست در کتاب عبدالرحمن سلمی این‌ها را درآورده کیست آقای چیز چاپ کرده آقای پورجوادی جلد یکش پل نویان .**

**یکی از حضار : مقدمه‌ی مفصلی هم نوشته که نسخه‌ها و اینها را توضیح داده نسبتا**

**آیت الله مددی : بله ایشان برداشته نقل کرده از این جور عرفان مصطلح و مصباح الشریعة و اینها برمی‌آید . خیلی عجیب است این قرن چهارم طب الائمة و اینها برمی‌گردد به اینها حرف‌های نمی‌دنم اسماعیلیه و تناسخ و اینها از نصیری‌ها برمی‌گردد به اینها مزخفراتی که اسماعیلیه داشتند برمی‌گردد به اینها یک چیز عجیبی است اصلا این قرن چهارم را به نظر من واقعا خداوند یک لطفی به ما کرد یک مکاشفه‌ای شده که این قرن چهارم بعد معلوم شد این بزرگان ما شیخ مفید و شیخ صدوق و سید رضی و بعدی‌ها و مرحوم کلینی و مرحوم ابن قولویه و اینها چه زحمت بزرگی کشیدند ما تا حالا نمی‌دانستیم چه زحمت بزرگی**

**قصه‌ی مرحوم نائینی را نقل کردم یک دفعه برای او تنباکو آوردند قلیان آوردند بعد گفتند این تنباکوی اطراف شیراز است یک جای خیلی معروفی است نائینی گفته بود یک کیفی ‌کردیم خودمان خبر نداشتیم ، حالا ما فهمیدیم واقعا چه کار بزرگی را اینها انجام دادند .**

**هم احادیث را تنقیح کردند سند به آن دادند روشنش کردند حرف‌های لا طائلات ، خود مرحوم کلینی طب دارد در کافی طب دارد این حرف‌های لا طائلات را از آن برداشتند این حرف‌های نا مربوط را برداشتند .**

**اصلا اسم جابر بن حیان فقط در همین کتاب طب الائمه آمده در هیچ جای دیگر نیامده آن هم جابر بن حسان فقط در همین کتاب طب الائمة جابر بن حسان آمده ما جای دیگر جابر بن حیان نداریم نه نجاشی دارد نه شیخ دارد .**

**یکی از حضار : فقط خود ندیم دارد .**

**آیت الله مددی : ندیم ؟**

**یکی از حضار : در فهرست ندیم هم**

**آیت الله مددی : بله همه را دارد خوب الان هم به نظرم 330 تا 350 تا را این سزگین پیدا کرده بله یک مقدارش را که چاپ کرده من هم دارم برای کراوس به اصطلاح یک مقدارش را من چاپ بعد هم شنیدم الان این شرقاوی هم گفت من همه را جمع کردم ادعایش این بود می‌خواستم به او بگویم اگر بشود همه را برای من استنساخ بکن غرض سزگین جمع کرده به نظرم 370 تا یا 80 تا ابن ندیم دارد 400 تا دقت می‌فرمایید .**

**غرض آقا این مطلبی را که امشب گفتیم سریعا متعرض بشویم انصافا این بزرگان ما در قرن چهارم چه خدمت بزرگی را به حدیث شیعه کردند به خاطر یک آزادی نسبی و در زمان بله آقا**

**یکی از حضار : ببخشید**

**آیت الله مددی : و در زمان صفویه باز دو مرتبه همین مشکلات حدیثی پیدا شد مخصوصا که آقایان تخصص ، مرحوم علامه آمد از راه حجیت وارد بشود راه بدی نبود خوب لکن بزرگان اصحاب گفتند در شیعه این جواب نمی‌دهد این راهی را که شما رفتید جواب نمی‌دهد فقط حدیث صحیح و حسن را بخواهیم قبول بکنیم در شیعه جواب نمی‌دهد با واقعیت شیعه نمی‌سازد . بعد از او حالا اخباری‌ها جای خودش ، انصافا دولت صفویه که در حدود 221 سال بوده از 906 تا 1135 که مغول حمله کردند دولت‌ حالا بعد که اصلا کلا حکومت شیعی در ایران بود اما خود دولت ، خیلی اینها‌ هم آقا زحمت فراوانی کشیدند همین بحار همین وافی همین وسائل یعنی یک کتاب‌های بسیار مهم کلیدی ما الان در حدیث توسط اینها که به نظر من الان در این 45 سالی که در جمهوری اسلامی شده هنوز یک کاری به آن مایه‌ی سنگین مناسب با زمان ما و شرایط ما و امکاناتی که الان پیش آمده اطلاعاتی که الان پیش آمده الان اطلاعات فراوانی پیش آمده مثل همین که دیشب عرض کردم خیلی نسخه‌های خطی مجهول را بتوانیم برویم تشخیص بدهیم و معین بکنیم .**

**علی ای حال متاسفانه اینها نشده و یکی عرفان مصطلح است ، یکی عرفان من درآوردی اسماعیلی‌هاست چون آن‌ها باطنی هستند هر چیزی را یک چیزی ما بین عرفان و تأویل مثلا می‌گوید پیغمبر گفت مثلا باد بهار خودتان را رها کنید با باد خزان نه می‌گوید مراد از باد بهار صحبت مؤمن است باد خزان صحبت منافق است این همینجور با این یک آمیخته‌ای از این را با یک افکاری یعنی یک تأویلی که هیچ مایه‌ی علمی ندارد همین من درآوردی است برای همین شب‌های عید الزهراء خوب است .**

**علی ای حال از این قبیل و اینها هم در این قرن چهارم از ما جدا شد فقه دعائم در قرن چهارم از ما جدا شد عرفان مصطلح در قرن چهارم از ما جدا شد کتب طبیه و علمیه‌ای که راجع به جابر و دیگران بود اینها در قرن چهارم جدا شد از ما جدا کردند عجیب این است که شیعه به اینها خیلی اعتناء نکردند آنها گرفتند اما اینها اعتناء این خیلی مهم است این مساله و انصافا این بزرگانی که در وسط آمدند علی راسهم مرحوم کلینی چون مرحوم شیخ صدوق وقتی طوسی اسم می‌برد شش نفر یا هفت نفر در اول مشیخه از کلینی برایش حدیث نقل کردند کافی را یکی‌اش ابن قولویه که برای قم است بقیه‌اش بغدادی هستند .**

**چهار سال یا پنج سال بعد از فوت ایشان آل بویه سر کار آمدند سه چهار سال بعدش ابن قولویه به بغداد آمد بعد آن جعفر بن حسین مؤمن بعد همین طور آن یکی که داوود هست که کتاب مزار دارد ابن داوود است کیست ابوالحسن بن آن کتاب عده‌ی زیادی از قمی‌ها آمدند و حدیث که در قم دقت کنید در قم صبغه‌ی شیعی صرف داشت یعنی صبغه‌ی محلی داشت در بغداد صبغه‌ی اجتماع مسلمان‌ها را گرفت یعنی صبغه‌ی علمی گرفت به خودش و بهترین کار در این جهت را مرحوم شیخ طوسی قدس الله نفسه انجام دادند .**

**یکی از حضار : امروز من فقط دو تا نکته هست در دیشب من یک اشتباهی کردم روی جلد کتاب نوشته ابو هارون تلعکبری منتهی آقای دلیلی نوشته روایة تلعکبری**

**آیت الله مددی : دیگر حالا هر چه هست دیگر**

**یکی از حضار : بعد ایشان یک توضیحی هم داده بعدا من یک صدایی شنیدم**

**آیت الله مددی : حالا اشکالی ندارد برای ایشان باشد**

**یکی از حضار : ایشان نگفته ایشان می‌گوید من نمی‌دانم مولف کیست فقط می‌دانم روایت تلعکبری است .**

**آیت الله مددی : آن هم قرن چهارم است .**

**یکی از حضار : من فقط چون نویسنده را ایشان نگفته ادعا نکرده**

**آیت الله مددی : بله می‌دانم فهمیدم .**

**یکی از حضار : یکی هم این کتاب چیز هم مسائل السربیة فقط این عبارتش را سریع بخوانم بعد ایشان می‌گوید واضافوا ما حوطه الکتب الی جماعة من شیوخ اهل الحق وتخرس الباطل من اضافتها الیهم من جملتها کتاب سموها کتاب الاشباح والاضلة**

**آیت الله مددی : هفت والاضلة**

**یکی از حضار : ونسبوا تالیفه الی محمد بن سنان ایشان می‌گوید**

**آیت الله مددی : بعدش مفضل بن عمر است**

**یکی از حضار : بعد می‌گوید ولسنا نعلم صحة ما ذکروا فی هذا الباب عنه فان کان صحیحا فان الابن السنان قد طعن علیه وهو متهم بالغلو فان صدقوا فی اضافة هذا الکتاب الیه فهو ضال بضلالة عن الحق وان کذبوا فقد تحملوا اوزار ذلک دیگر اسم مفضل نمی‌آورد اینجا**

**آیت الله مددی : نه به مفضل نسبت داده است**

**یکی از حضار : نه از ایشان نه**

**آیت الله مددی : شاید می‌دانم شاید**

**یکی از حضار : بالاخره کتاب را اسم می‌برد .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**